

دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال ۱۶، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۷۷-۲۰۱ (مقاله پژوهشی).

## سلوک صوفیانه و مسؤولیت اجتماعی: بررسی آراء و رفتار اجتماعی - فرهنگی حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی

محمّدعلی طاوسی<sup>۱</sup> محمودرضا اسفندیار<sup>۲</sup>

### چکیده

تأثیر تصوّف و آموزه‌هایش بر فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی متصوّفه و مقولاتی نظیر عزلت و بنای خانقاه‌ها که از مستحسبات صوفیه محسوب شده‌اند، در شمار موضوعات مورد بحث برخی محققین دوره جدید در ایران است. نعمت‌اللّٰهیه از سلاسل مهمّ تصوّف در ایران می‌باشد که تأمل در آن دسته از عقاید و رفتارهای مشایخ این طریقه که ارتباط با امور مدنی پیدا می‌کند، می‌تواند به درک درستی از نسبت میان سلوک صوفیانه و مسؤولیت اجتماعی رهنمون شود. بنابراین در نوشتار حاضر، برای نخستین بار به تحلیل برخی آراء و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی حاج ملاعلی نورعلیشاه گنابادی (۱۲۸۴ق. / ۱۸۶۷م. - ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م.) از پیران نامور نعمت‌اللّٰهیه در اواخر عصر قاجار می‌پردازیم. در این جستار، پس از توضیح در خصوص مفهوم مسؤولیت اجتماعی، به‌طور خلاصه بعضی آراء برجسته درباره نقش اجتماعی- فرهنگی صوفیان، بررسی می‌گردد. آنگاه برای تبیین موضوع، ضمن تحلیل مسأله چله‌نشینی نورعلیشاه و شرح تأسیس خانقاه مزارسلطانی بیدخت توسط وی، به برخی فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی‌اش پرداخته می‌شود. نتیجه مقاله آن است که حاج ملاعلی گنابادی همچون بسیاری دیگر از بزرگان تصوّف، موفق به جمع بین ظاهر و باطن شده و اهتمامش در رعایت دستورات طریقتی، مانع از حضور سودمند و مؤثرش در جامعه نشده‌است. این پژوهش توصیفی- تحلیلی و براساس روش کتابخانه‌ای و منابع دسته اول می‌باشد.

### کلیدواژه‌ها

تصوّف، مسؤولیت اجتماعی، نورعلیشاه گنابادی، چله‌نشینی، خانقاه مزار سلطانی بیدخت.

۱. دانشجوی دکتری رشته تصوّف و عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
tavousiali1396@gmail.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
mresfandiar@gmail.com

۱۷۷  
پژوهشنامه ادیان

سلوک صوفیانه و مسؤولیت اجتماعی: بررسی آراء و رفتار اجتماعی - فرهنگی حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی

## ۱. مقدمه

اصطلاح جامعه (society) در معنای امروزی اش از جمله مفاهیمی است که در دوره مدرن و ابتدا در تفکر مغرب زمین پدیدار شد. مفاهیم دیگری نظیر مسئولیت اجتماعی (social responsibility) مولود تلقی جدید از مفهوم جامعه است. البته التفات به این نکته ضرورت دارد که پیش از دوره مدرن هم به برخی مظاهر مسئولیت اجتماعی برمی خوریم که با بعضی از تعاریف جدید آن منطبق می باشد. از جمله تعاریف مسئولیت اجتماعی که با موضوع این نوشتار تناسب دارد، عبارت است از اینکه هر فرد از نظر اخلاقی در قبال مسائل اجتماعی - فرهنگی و محیط پیرامونی خود، متعهد به انجام وظایفی است که منجر به نفع جامعه شود.<sup>۱</sup>

مسأله نسبت میان سلوک صوفیانه یا تصوّف با مسئولیت اجتماعی و اصولاً مقوله اجتماع و موضوعات مرتبط با آن، از قبیل امور فرهنگی، یکی از موضوعات مستحدثی است که در ایران دوره جدید، پس از تحولات عصر قاجار و آشنایی گسترده و جدی ایرانیان با تفکر نوین مغرب زمین مطرح شده و به اقتضای اندیشه های عصر مدرن، مورد سؤال و پی جویی قرار گرفته است.

درباره مسأله مذکور، به طور کلی دو نظریه مختلف و متضاد ابراز شده است. گروهی بدون مذاقه و تأمل در شواهد تاریخی، مدعی شده اند که آموزه های عرفانی، جامعه را به سوی رخوت و سستی سوق داده و از تصوّف به عنوان مانعی برای حضور سودمند صوفیان در عرصه های فکری و مدنی یاد کرده اند. هم چنین گروه مزبور با استناد به برداشت های ناصواب خود از تعالیم صوفیانه و برخی دستورات خاص طریقتی نظیر عزلت، زهد و کناره گیری از دنیا، اهل تصوّف و عرفان را فاقد نقش و سهم مؤثر در ارتقاء ساختار نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه دانسته و از این رو عرفا و متصوّفه را مورد انتقاد و شماتت قرار داده اند.

1. Agudelo, M. & Johannsdottir, L. & Davidsdottir, B. "A Literature Review of the History and Evolution of Corporate Social Responsibility". *International Journal of Corporate Social Responsibility*. 2019. 4:1.p.1.

از متقدمین این گروه، احمد کسروی است. وی با تعبیر گزنده و تندش در حق صوفیان و عارفان به مخالفت با تصوّف و عرفان پرداخته است. به عنوان مثال در رساله حافظ چه می‌گوید؟ لسان‌الغیب حافظ شیرازی را صرفاً قافیه‌پردازی معرفی کرده که فهم و خردش از کار افتاده و مغزش آشفته است.<sup>۱</sup> هم‌چنین وی در اثر مزبور، حافظ را روسیاه زیانکاری خطاب کرده که اگر به جای «شعرگویی، خشت‌زنی می‌کرد، در پیشگاه حقیقت ارج بیشتری می‌یافت». کسروی اشعار ناب حافظ را که از منظر حکمی - عرفانی «همه بیت‌الغزل معرفت است» جز چرندگویی و «سخنان پوچ بیهوده» نپنداشته است.<sup>۲</sup> او در رساله دیگرش که صوفیگری نام دارد، بدون آنکه میان صوفیان و عارفان راستین با متشبهین به تصوّف تفاوتی قائل شود - فرقی که همواره بزرگان تصوّف به آن التفات داشته و دیگران را بدان توجه داده‌اند - سعی در تخریب و تحقیر وجهه معنوی تصوّف و آموزه‌های اصیل معرفتی آن داشته است. در این راستا حتّی اشعار صوفیانه و عرفانی منطق الطّیر عطار نیشابوری و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی را «نتیجه بی‌کار نشستن و مفت خوردن» آن حکیمان الهی معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

البته مطالب سست و بی‌پایه کسروی در انتقاد از عرفا و اهل تصوّف، محدود به موارد پیش گفته نمی‌باشد؛ بلکه وی در همین اثر اخیرالدّکر، با زیرپا گذاشتن موازین پژوهشی و عدم رعایت بی‌طرفی علمی، گفته‌های ناموجهی را در این زمینه بیان کرده است که از بنیان نادرست می‌باشد. او بدون ارائه هیچ دلیل منطقی، اظهار می‌دارد: «صوفیگری مردم را سست و تنبل و بی‌غیرت گردانیده، جهان را از آبادی باز می‌دارد.»<sup>۴</sup> یا در جای دیگر از این کتاب، سستی و تنبلی «مردم ایران و کشورهای نزدیک» در امور زندگانی را نتیجه تعالیم متصوّفه ذکر کرده است.<sup>۵</sup>

۱. کسروی، احمد، حافظ چه می‌گوید، چاپاک، بی‌تا، صص ۲ و ۴.

۲. همان، صص ۲۴، ۲۵.

۳. همو، صوفیگری، مطبوعاتی فرخی، چ ۶، ۱۳۴۲، صص ۳۱.

۴. همان، صص ۸.

۵. همان، صص ۳۳.

اما در طرف مقابل هم، گروه دیگری قرار دارند که نظرشان کاملاً مخالف با دسته قبلی است. این عده با استقصا در سیر تصوّف و ماهیتش و منابع معتبر تاریخی در این زمینه و نیز با تعمق در آموزه‌های طریقتی، معتقدند که تصوّف و تعالیم اصیل عارفان و صوفیان حقیقی، نه تنها سبب سستی و فتور جامعه نشده، بلکه از عوامل مؤثر در اعتلای فرهنگی و رشد اجتماعی بوده است. بدیع الزمان فروزانفر از محققان متون عرفانی، درباره مسأله مذکور اظهار می‌دارد: تصوّف سبب وسعت نظر انسان شده، به گونه‌ای که آدمی به هیچ درجه‌ای از کمال معنوی قانع نشود و از این رو «دائماً در حرکت و جنبش افتد»؛ وی از این امر به عنوان شاهکار تربیتی تصوّف یاد کرده است.<sup>۱</sup> همان‌طور که جلال‌الدین همایی از دیگر پژوهشگران فرهنگ ایران و علوم اسلامی، متذکر می‌شود: «تصوّف، روح فعالیت و جنب و جوش را در سالکان به کار می‌اندازد» و تعالیم صوفیانه را مغایر «با تن‌پروری و تن‌آسانی» دانسته است.<sup>۲</sup>

با مرور تاریخ تصوّف، شواهد مختلف و متقنی در ردّ گفتار کسروی و دیگر افراد دسته اول، درباره عرفان و تصوّف به دست می‌آید؛ از جمله دلایلی که در ردّ ادعای گروه نخست، در باب تصوّف می‌توان بدان استناد جست، نهضت‌های اجتماعی صوفیه در عصر استیلای مغول در ایران است. تصوّف در آن دوران، افزون بر اینکه مهم‌ترین ملجأ روحی و فکری مردم بی‌پناه از حمله مغول بوده و به حمایت از آنان پرداخته است، نهضت‌های مهم اجتماعی صوفیان، نظیر سرداران خراسان و یا مرعشیان مازندران را بر ضدّ حکام عصر و به منظور استمرار تشیّع، استقرار عدالت اجتماعی و مساوات اسلامی پدید آورده است.<sup>۳</sup>

با التفات به مطالب مزبور، از آنجا که سلسله نعمت‌اللّهیه از سلاسل عرفانی و با سابقه

۱. فروزانفر، بدیع الزمان، تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر: درباره تاریخ ادبیات ایران، مقدمه و حواشی سید محمد دبیرسیاقی، تهران، خجسته، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲.

۲. کاشانی، عزالدین محمود، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، تصحیح و مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران، هما، چ ۶، ۱۳۸۱، مقدمه همایی، ص ۱۰۸.

۳. بازوکی، شهرام، «تصوّف در ایران بعد از قرن ششم»، تاریخ و جغرافیای تصوّف، تهران، کتاب مرجع، ۱۳۸۸، صص ۳۰-۲۸؛ زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوّف ایران، تهران، امیرکبیر، چ ۵، ۱۳۸۰، صص ۵۰، ۵۳ و ۵۴.

تاریخی و از طرائق مهمّ تصوّف است و حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی نیز از پیران نامور طریقه نعمت‌اللّٰهیه در اواخر عصر قاجار بوده‌است، تحقیق درباره نظریات و فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی او، در تبیین و درک صحیح نسبت میان تصوّف و سلوک صوفیانه با مقوله اجتماع و مسؤولیّت اجتماعی، می‌تواند مفید و ثمربخش واقع شود. از این‌رو برای نخستین‌بار، در این پژوهش، برخی آراء و رفتارهای فرهنگی- اجتماعی نورعلیشاه گنابادی از منظر مسؤولیّت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در خلال آن نیز برای تکمیل بحث، به بعضی آداب صوفیه پرداخته می‌شود. پیش از ورود به بحث اصلی این پژوهش به منظور آشنایی با شخصیت عرفانی و علمی حاج ملا علی گنابادی، مختصری در شرح احوال وی بیان می‌شود.

## ۲-۱. حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی

حاج ملا علی گنابادی نخستین فرزند ذکور سلطانعلیشاه، متولد ۱۲۸۴ق. / ۱۸۶۷م. در قریه بیدخت از توابع گناباد خراسان است. حاج ملا سلطانمحمد سلطانعلیشاه بیدختی (متولد ۱۲۵۱ق. / ۱۸۳۵م.) نیز از مشاهیر تصوّف و از بزرگان نعمت‌اللّٰهیه در عصر قاجار و مجدد آن در دوره جدید بود که مورد تمجید علما و اهل تحقیق قرار گرفته‌است. عالمی نظیر آقا بزرگ طهرانی درباره وی چنین نوشته‌است: «کان من اکابر علماء عصر و مشاهیر رجاله، جمع بین المعقول و المنقول و برع فیهما...»<sup>۱</sup> هانری کربن (Henry Corbin) از فیلسوفان و اسلام‌شناسان شهیر غربی نیز به جایگاه او اشاره کرده و می‌نویسد: «از سلطانعلیشاه آثاری مهم، به یادگار مانده و تأثیر او بر اهمیت بوده‌است»<sup>۲</sup>. برخی تألیفات مهمّ حکمی- عرفانی حاج ملا سلطانمحمد عبارتند از: تفسیر بیان السّعادة فی مقامات العباده، ولایتنامه، مجمع السّادات و ایضاح.<sup>۳</sup>

۱. الطهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشیعه: و هو نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، تعلیقات السید عبدالعزیز الطباطبایی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، ج ۲، ۱۴۰۴ق، القسم الثانی من الجزء الاول، ج ۲، صص ۸۲۵-۸۲۴.

۲. کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، کویر، ۱۳۷۳، ص ۴۴۷.

۳. درباره شرح آثار او، رک: تابنده گنابادی، سلطانحسین، نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم: شرح حال حاج ملا سلطانمحمد سلطانعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ج ۳، ۱۳۸۴، صص ۲۴۶-۲۱۷.

نورعلیشاه پس از فراگیری علوم رسمی که عمدتاً نزد پدر صورت پذیرفت،<sup>۱</sup> در اوان جوانی به قصد تحقیق و تکمیل مطالعاتش، زحمت سفر به ممالک بسیاری را که در شرق و غرب ایران قرار داشت، بر خود هموار کرد. وی در این سیر آفاقی و انفسی با علمای ادیان و مذاهب دیگر و بزرگان سلاسل مختلف عرفانی، دیدار و گفتگو کرد و بر مدعای آنان آگاهی یافت. او در ۱۳۰۷ق. پس از سیاحت چند ساله به موطن خود بازگشت و به موازات سلوک عرفانی به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز اشتغال داشت. نورعلیشاه پس از پدر در ۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. بنا بر وصایت وی، در مقام ارشاد پیروان سلسله نعمت‌اللّه گنابادی، جانشین فقری سلطانعلیشاه گردید. او سرانجام در ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. توسط یکی از اشرار و مخالفین فقر در کاشان، یعنی ماشاءالله خان کاشی، مسموم شد و درگذشت.<sup>۲</sup> حاج ملا علی گنابادی در علوم مختلف اسلامی و حتی دانش‌های جدید آن روزگار، تبخر داشت. تصنیفات عدیده‌اش که در بخش‌های آتی بدان پرداخته می‌شود، دلالت بر اطلاعاتش در زمینه‌های متعدد علمی زمانه خود دارد.

## ۲. عزلت و کناره‌گیری از دنیا

عرفا براساس آیات کتاب الله، سنت پیامبر و معصومین و سیره انبیای سلف (ع) در مواردی و بنا به مقتضیاتی به منظور تربیت و تهذیب نفس به برخی از سلاک الی الله، دستور ریاضت، اربعین گرفتن، عزلت و کناره‌گیری از خلق می‌دادند، و همان‌طور که در مصباح‌الهدایه ذکر شده، چله‌نشینی و خلوت از زمره مستحسنان صوفیه است.<sup>۳</sup> اما این موضوع، یک دستور عمومی و «برای همه کس و همیشه و در همه وقت» نبوده و برخلاف فقر عیسوی و رویه رهبانان مسیحی، هرگز در تصوّف به تأسی از فقر محمّدی،

۱. نورعلیشاه گنابادی، ملا علی، دو رساله در زندگی و شهادت جناب سلطانعلیشاه، رجوم الشیاطین، تصحیح و مقدمه شهرام پازوکی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۲۱.

۲. درباره شرح حال وی، ر.ک: سعادت (فخرالاطباء)، حسینعلی، «نامه ظهور نور»، یادنامه نور: شرح احوال و آراء حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ۱۳۹۶، صص ۹۵-۱۵.

۳. کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، ص ۱۶۰.

عبادت خالق و تزکیه نفس به معنای نفی کار و کوشش دنیوی و دست کشیدن از انجام امور مادی نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

به تصریح محققین تصوّف و عرفان، در سلوک صوفیانه، دو امر به حساب ظاهر، خیلی دشوار، یعنی «فقر محمّدی با فقر عیسوی» جمع شده و اموری از قبیل «رعایت وظایف اجتماعی و آداب معاشرت و داخل اجتماع شدن و از زندگانی بهره گرفتن» با آدابی مثل «زهد و ریاضت و خلوت» درهم آمیخته است.<sup>۲</sup>

با مراجعه به شرح احوال عارفان و صوفیان اصیل، مصادیق متعدّدی از جمع میان ظاهر و باطن را می‌یابیم. چنانکه پژوهشگران، روش زندگانی شاه سید نورالدین نعمت‌الله ولیّ از بزرگان طریقه نعمت‌اللهیه و مجدّد سلسله معروفیه در قرن هشتم و نهم هجری را «بهترین سرمشق کار و کوشش» برای اهل سلوک و دیگران معرفی کرده‌اند؛ زیرا که انجام اعمال عبادی، مسؤولیت ارشاد و هدایت معنوی و نگارش مصنّفات و تحقیقات حکمی و عرفانی، نه تنها او را از اشتغال به امور آبادانی، عمران و زراعت بازمی‌داشت<sup>۳</sup>؛ بلکه بنابر آنچه که در تذکره‌ها آمده، وی میدان را به کسب حلال و کیمیای زراعت توصیه می‌کرده است.<sup>۴</sup>

یکی از تعالیم و مشخصه‌های بارز طریقه وی، تقیّد به کسب و کار حلال برای امرار معاش و پرهیز از بطالت و بی‌کاری است.<sup>۵</sup> از سخنان اوست: «هر کسی در کسب و هنری که دارد، می‌تواند بندگی کند و آفریدگار خود را عبادت نماید. و هر که ترک کسب معیشت نموده، طریق عبادت پیش گیرد، هر آینه شیرازه عالم نظام نپذیرد.»<sup>۶</sup>

۱. فروزانفر، صص ۱۸۱، ۱۸۶.

۲. همایی، مقدمه مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، ص ۹۸.

۳. فرزام، حمید، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولیّ، تهران، سروش، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۵۸۵؛ زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ج ۸، ۱۳۷۷، ص ۷۶.

۴. کرمانی، عبدالرزاق، تذکره در مناقب شاه نعمت‌الله ولیّ، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولیّ کرمانی، تصحیح و مقدمه ژان اوین، تهران، طهوری، ج ۲، ۱۳۶۱، صص ۱۰۶-۱۰۵.

۵. شیروانی، میرزا زین‌العابدین، حدائق‌السیّاحه، مقدمه سلطان‌حسین تابنده و تصحیح سید هبه‌الله جذبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۵۳۴.

۶. همو، بستان‌السیّاحه، تصحیح و پیش‌گفتار منیژه محمودی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۶۲۸.

حاج ملا علی گنابادی نیز همانند اسلاف معنوی اش، توجه به جمع میان ظاهر و باطن داشته است. وی اگرچه پس از راهیابی به رشته نعمت اللّٰهیه، تحت نظر پدر و به دستور او به منظور تهذیب نفس، چندین اربعین به خلوت و ریاضت نفس مشغول بوده،<sup>۱</sup> اما در عین حال از تعلیم و تدریس علوم و تصنیف رسائل تحقیقی و امرار معاش از طریق زراعت و احیای اراضی موات و کسب و تجارت غفلت نداشته است؛<sup>۲</sup> زیرا که عزلت و چله‌نشینی‌های وی بمانند پدر و غالب صوفیان و عارفان، یک امر دائمی نبوده،<sup>۳</sup> و پس از ختم اربعینات و یا در فواصل میان آنها، به کارهای دنیوی می‌پرداخته است.

اصولاً از نظر نورعلیشاه «زحمت دنیا کشیدن و حاجت به خلق نداشتن» کاری پسندیده و امری اخروی است؛ همان‌طور که بی‌کاری و «عدم انماء و ناکارگی [را] ظلم بر مال و بر قوا» و مغایر با آخرت و از امور نفسانی و مذموم می‌داند.<sup>۴</sup> وی با استناد به خبر: کَیْسٌ فِی شِیْعَتِنَا اَنْ یَسْأَلُوا النَّاسَ بِکِفْهِمْ اَوْ یَتَّصَدَّقُوا عَلَی الْاَبْوَابِ و با توجه به حدیث مروی از معصوم (ع) که در آن صدقه به چرک دست تشبیه شده،<sup>۵</sup> می‌نویسد: «نفس مؤمن اشرف است از آنکه اخذ او ساخ ناس نماید».<sup>۶</sup>

او در تبیین مسأله ریاضت و عزلت که در سیره عرفا مشاهده می‌شود، چنین می‌نویسد: «هر قومی راه وصال را در امری دانسته‌اند، صابین و جوک در ریاضت و حبس نفس دانند، و نصاری در رهبانیت... و حنفاء و عرفا و سلاسل ایمان، جمع اعمال ظاهر و باطن نمایند و خلوت در انجمن و وحدت در کثرت دارند، و ریاضت در

۱. بنا به نقل فرزند وی، دکتر فخرالاطباء سعادت، نورعلیشاه در این اربعینات به کمی نان جو قناعت می‌کرده و «در یک اربعین، در شبانه‌روز، تنها به چهاردانه مغز بادام اکتفا نمودند که پس از ختم اربعین، از شدت لاغری ناشناس شده بودند» (سعادت، ص ۲۸).
۲. ضیاء المتکلمین تونی، اسماعیل، «زندگی‌نامه نورعلیشاه»، یادنامه نور: شرح احوال و آراء حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵.
۳. تابنده گنابادی، نابغه علم و عرفان، ص ۱۲۴.
۴. نورعلیشاه گنابادی، ملا علی، صالحیه، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۴۶، ص ۲۷۲، حقیقت ۴۳۶.
۵. الحزّ العاملی، محمّد بن الحسن، تفصیل وسائل الشّیعه إلى تحصیل مسائل الشّریعه، قم، آل‌البتیت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۶۸، ح ۱۱۹۹۳: اَنَّ الصّدقة أوساخٌ أیدی النَّاسِ.
۶. نورعلیشاه گنابادی، صالحیه، صص ۲۷۳، ۲۷۲، حقیقت ۴۳۸.

جمعیت دارند... و آخرت را در دنیا گیرند و ترک کار دنیا نمایند.<sup>۱</sup> هم چنین کسب روزی حلال را یکی از ریاضت‌ها و راه‌های مبارزه با نفس می‌داند، چنانکه در پاسخ به یکی از ارادتمندانش که از وی طلب دستور ریاضت کرده‌بود، چنین می‌گوید: «درویشی از فقیر، ریاضتی خواست، او را امر کردم به حلال خوردن و این را بزرگتر از هر کار برای او دیدم».<sup>۲</sup>

به این ترتیب نه تنها از نظر وی ریاضت، امری عمومی نیست، بلکه ریاضت خودسرانه و غیرشرعی را نیز عملی مذموم دانسته و می‌گوید: همان‌طور که «ریاضت بی‌جا، پس از ترک، اسب را سرکش، و چموش را چموش تر نماید»، ریاضت بدون امر الهی نیز، قوای نفسانی انسان را قوت دهد و سرکش تر کند و بر امراض درونی و بیماری‌های روحانی بیفزاید.<sup>۳</sup> البته ریاضت به‌طور کلی در نظر او، امری منفی تلقی نشده، بلکه اگر خودسرانه نبوده و با شرایطی از قبیل نیت خالص و دستور مکلف بینا و بصیر همراه باشد، آن را نیک می‌داند، زیرا که «قوای نفسانیه [را] بکاهد و به کاهیدن آن، قوای الهیه قوت گیرد».<sup>۴</sup>

### ۳. خدمات و حضور اجتماعی - فرهنگی صوفیان

شفقت و خدمت به خلق خدا از آموزه‌های اصیل عرفانی است، لذا صوفیان و عارفان در قبال جامعه، خود را فاقد مسؤولیت تصوّر نکرده و به اقتضای اوضاع جامعه و رخدادهایش، در اجتماع، حضوری پویا و تأثیرگذار داشته‌اند. پژوهشگران عرفان و تصوّف، بر این اعتقادند که آموزه‌های صوفیانه، از بعد نظری «افق بصیرت مسلمانان را گشوده‌تر کرد و آنها را به تساهل و مسامحه و به ترک تعصب و غرور و عناد توجه داد»<sup>۵</sup> و از این رهگذر است که تعالیم متصوّفه، در مقایسه با سایر نحله‌های دینی و

۱. همان، ص ۲۷۲، حقیقت ۴۳۷.

۲. همان، ص ۲۲۴، حقیقت ۲۸۴.

۳. همان، ص ۲۶۶، حقیقت ۴۱۵.

۴. همان‌جا.

۵. زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، ص ۱۶۵.

فکری، بالاترین حد آزادی اندیشه و «وسعت فکر و حریت عقیده» را برای آنان به ارمغان می‌آورد.<sup>۱</sup> البته از سوی دیگر همان‌طور که عمل، رکن مهم تصوف است،<sup>۲</sup> محققین مزبور نیز معتقدند میراث صوفیه منحصر به حکمت و ادب و بسط امور فرهنگی و ترویج آموزه‌های معنوی نمی‌باشد. آنان بر این اعتقادند که از بعد عملی هم، متصوفه اهل سعی و کوشش و فعالیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی بوده و «بعضی از آنها موجب فخر و مباهات طوایف و جوامع نیز بوده‌اند».<sup>۳</sup>

عارفان و صوفیان حقیقی در عین عدم تعلق به دنیا و رهایی از قیود آن که در پرتو احکام اسلامی و ریاضات شرعیّه و انجام سایر دستورات سلوکی برای آنها حاصل می‌شود، از گروه‌های تأثیرگذار اجتماعی بوده و احساس مسؤولیت نسبت به اجتماع را امری مغایر با سلوک عرفانی نمی‌دانسته‌اند. متصوفه حتی در خانقاه‌ها که «از جمله مستحسنان صوفیان... و زینتی از زینت‌های ملت اسلام» محسوب شده<sup>۴</sup> و دارای اسامی مختلفی از قبیل زاویه، لنگرگاه و تکیه می‌باشد، افزون بر انجام آداب طریقتی به خدمات اجتماعی و فرهنگی می‌پرداختند. چنانکه یکی از دلایل تأسیس و توسعه خانقاه‌ها که به‌عنوان مسافرخانه نیز از آنها استفاده می‌شده، ایجاد محلی برای سکونت و تغذیه رایگان مسافران، غریبان و بینوایان،<sup>۵</sup> بدون توجه به نژاد و مذهب و عقایدشان بوده است؛ همان‌طور که صفّه در صدر اسلام، هم مقامی برای سکونت و اجتماع «فقرای اصحاب رسول علیه الصلوه و السلام» و یا به اصطلاح اصحاب صفّه بوده و هم به‌عنوان محلّ اقامت مسکینان و وافدین مدینه، کاربری داشته است.<sup>۶</sup>

خانقاه‌ها علاوه بر این موارد، کارکردهای دیگری نیز داشته‌اند؛ چنانکه خانقاه خواجه

۱. همایی، مقدمه مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، ص ۹۹.

۲. فروزانفر، ص ۱۸۴.

۳. زرّین کوب، ارزش میراث صوفیه، ص ۱۷۷.

۴. کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، ص ۱۵۳.

۵. کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری، ۱۳۶۹، تهران، ص ۶۳؛ عدلی، محمدرضا، «علل گسترش جماعت‌های اولیه صوفیان و شکل‌گیری خانقاه‌ها»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، س ۹، ش ۳۰، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

۶. کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، ص ۱۵۳.

امام محمد بن منصور قاضی سرخسی افزون بر محلّ عبادت صوفیان، حکم داروخانه عمومی شهر را داشته و بینوایان برای مداوا به آنجا مراجعه می کردند. هم چنین خواجه منصور در این مکان، مدرسه و کتابخانه‌ای نیز دایر کرده بود.<sup>۱</sup> خانقاه شیخ احمد جام در تربت جام هم، محلّی برای رتق و فتق دعاوی و برقراری صلح و سازش میان مردم بوده است.<sup>۲</sup> هم چنین متصوّفه با هنرنمایی در ساخت و معماری فاخر خانقاه‌ها و نیز از طریق آموزش علوم متداوله و ترویج هنرهای مرسوم از قبیل شعر، موسیقی و قوالی در این مراکز،<sup>۳</sup> نیازهای فرهنگی و هنری جامعه را بی پاسخ نمی گذاشتند.

البته خدمات اجتماعی، اهل تصوّف محدود به این موارد نبوده، بلکه آنان در بحران‌ها و بلاهای عمومی مثل «قحط‌سالی‌ها و آفات ارضی و سماوی»<sup>۴</sup> و سایر مصائب اجتماعی، پناهگاه و پشتیبان اقشار مختلف جامعه بوده‌اند. همین امر یکی از وجوه مشترک میان تصوّف و آیین فتوّت و از عوامل پیوند میان این دو گروه است. از نمونه‌های متأخر فعالیت‌های عام‌المنفعه عارفان و صوفیان در محیط خانقاه‌ها و خارج از آن را می توان در عملکرد نورعلیشاه گنابادی پی گیری کرد که در این مجال به سه نمونه از خدمات اجتماعی، فرهنگی و علمی وی می پردازیم.

### ۳-۱. مجموعه خانقاه مزار سلطانی بیدخت

خانقاه مزار سلطانی بیدخت با قدمتی بیش از ۱۱۰ سال، در عداد «مهم ترین آثار موجود صوفیه در ایران» قلمداد شده است.<sup>۵</sup> در این مجموعه «پختگی هیأت کلی و ابتدای آن بر تجربه هزارساله معماری اسلامی در حاشیه کویر ایران، ترکیبی از مقبره و

۱. ر.ک: سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم، دیوان اشعار، مقدمه و حواشی محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، سنایی، ج ۵، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷۴، قطعه ۹۲.

۲. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، بارگاه خانقاه در کویر هفت کاسه، تهران، علم، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲.

۳. شفیع کدکنی، محمدرضا، «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم»، بخارا، س ۶، ش ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۳، صص ۴۶ - ۴۵.

۴. باستانی پاریزی، بارگاه خانقاه در کویر هفت کاسه، ص ۱۴۲.

۵. قیومی، مهرداد، «مروری بر برخی از آثار معماری طریقه نعمت‌اللّٰهیه در ایران: مزار شاه نعمت‌الله ولی، مزار مشتاقیه کرمان، مزار سلطانی گناباد»، عرفان ایران، تهران، حقیقت، ۱۳۸۳، مجموعه مقالات ۲۰، ص ۶۱.

کاروانسرا و خانقاه و حسینیه و مدرسه و مسجد» را به تصویر کشیده است.<sup>۱</sup> خانقاه مزار سلطانی، سوای اوصاف هنری و کالبد معماری اش که «آن را در شمار بناهای با اهمیت قرارداد است»<sup>۲</sup>، از لحاظ محتوا و کارکردهایی که در روستای دور افتاده بیدخت گناباد نیز داشته، درخور تأمل و تحقیق است. بدین منظور در این بخش، افزون بر معرفی مختصر مجموعه مذکور، به برخی خدمات فرهنگی - اجتماعی نورعلیشاه در این خانقاه اشاره می شود.

نورعلیشاه گنابادی در سال ۱۳۲۷ قمری، در تپه‌ای مرتفع، واقع در جنوب غربی روستای بیدخت گناباد که در مجاورت قبرستان عمومی روستا قرار داشت و فاقد هرگونه ساختمان و آبادانی بود، پیکر پدر (سلطانعلیشاه) را دفن کرد.<sup>۳</sup> سپس وی به هدف ایجاد مکانی برای برگزاری مجالس فقری درویش، با تسطیح محل و احداث اتاقی بر مدفن پدر، به پی‌ریزی خانقاهی موسوم به مزار سلطانی مبادرت ورزید. حاج ملا علی گنابادی نقشه صحن‌های سه گانه مجموعه مزبور را به گونه‌ای طراحی کرد که عمارت آرامگاه سلطانعلیشاه در مرکز صحن وسط قرار گرفت. در هر سه صحن نیز حجراتی برای بیتوته و اقامت موقت وافدین ساخته شده که به مرور ایام تکمیل، تجهیز و توسعه یافت.<sup>۴</sup>

به این ترتیب همان‌طور که سایر خانقاه‌های متصوفه، علاوه بر محلّ عبادی به عنوان «یک پدیده اجتماعی... پناهگاه درماندگان و ملجأ و ملاذ آوارگان جنگ... و مهمانسرا و محلّ پذیرایی مسافران»<sup>۵</sup> بوده، حجرات خانقاه مزار سلطانی نیز از زمان احداث، مستثنی از این امر نبوده است؛ چنانکه در جنگ تحمیلی عراق به ایران، بسیاری از خانواده‌های جنگ‌زده و آواره خوزستان و غرب کشور مدّت طولانی در حجرات

۱. همان، ص ۸۱.

۲. لباف خانیکی، رجبعلی، گناباد: خاستگاه حماسه‌های پنهان، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۳، ص ۸۵.

۳. تابنده گنابادی، نابغه علم و عرفان، صص ۶۲۱، ۵۵۹.

۴. همان، صص ۵۵۹، ۵۶۳-۵۶۱ و ۶۲۱؛ سعادت، ص ۶۷.

۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، «تاریخ و داستان‌هایی از آن»، نای هفت بند، تهران، عطایی، چ ۴، ۱۳۶۳، ص ۵۹.

مذکور ساکن شدند «و از طرف اولیای خانقاه، در حدّ مقدور مورد پذیرایی قرار گرفتند».<sup>۱</sup>

خانقاه مزار سلطانی به دلیل وسعت مشرب عرفانی بانی آن و اخلاف معنوی اش، همواره پذیرای افراد مختلف با هر عقیده، مذهب و دینی بوده که مصادیق مختلفی از آن نقل شده است.<sup>۲</sup> به عنوان مثال ریشارد گراملیش (Gramlich Richard) از مسیحیان یسوعی کلیسای کاتولیک و از پژوهشگران تصوّف، در جریان سفرش به ایران در سال ۱۹۵۹ م.<sup>۳</sup> با اینکه از میدان طریقه نعمت‌اللّٰهیه نبود، اما نه تنها از ورودش به خانقاه مزبور ممانعتی به عمل نیامد، بلکه مجالس دراویش آنجا را نیز از نزدیک مشاهده کرد.<sup>۴</sup> به طور کلی نحوه عملکرد مزار سلطانی در همه این موارد، عبارت مشهور بر سردر خانقاه شیخ ابوالحسن خرقانی را تداعی می‌کند که «هر کس در این سرای درآید، نانش دهید و از ایمانش مپرسید...».

از دیگر اقدامات اجتماعی حاج ملا علی گنابادی در مزار سلطانی آن است که چون روستای دورافتاده بیدخت در آن زمان، فاقد کاروانسرا و حتی بازار محلی و سایر اسباب آبادانی و نمادهای شهری بوده، به منظور رفاه حال مسافرین و اقامتشان در این روستا، وی در جنب صحن وسط، مبادرت به ساخت کاروانسرای مشهور به «رباط رویاز» می‌کند. هم‌چنین برای ایجاد رونق در کسب و کار اهالی محل نیز، در ابتدای صحن اول، چند حجره و دکان برای فروش محصولات کشاورزی و دامی اهالی روستا احداث می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. باستانی پاریزی، بارگاه خانقاه در کویر هفت کاسه، ص ۵۴۴.

۲. یک نمونه از شیوه مواجهه مسالمت‌آمیز و نحوه مذاکره صالحعلیشاه، جانشین نورعلیشاه با هیأتی از کشیشان مسیحی که به خانقاه مزار سلطانی بیدخت رفته بودند، در مقاله «اسوه حسنه»، شرح داده شده است (تابنده، نورعلی، «اسوه حسنه»، یادنامه صالح، هیأت تحریریه کتابخانه صالح، تهران، حقیقت، ج ۲، ۱۳۸۰، صص ۱۸۵-۱۸۳).

۳. تاریخ مزبور مقارن با سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ شمسی بوده است.

۴. وی گزارشی از این موضوع را در طریقه‌های شیعی ایران نگاشته است (گراملیش، ریشارد، طریقه‌های شیعی ایران: ذهبیه، نعمت‌اللّٰهیه و خاکساریه، سلسله‌ها، عقیده‌ها و مذهب، سنن و آئین‌ها، ترجمه شیرین شادفر، تهران، نامک، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵).

۵. ضیاء المتکلمین تونی، ص ۱۲۵؛ نورایی بیدخت، حسن، بیدخت در گذر زمان: مجموعه زیر آسمان بیدخت، تهران، چاپ جامی، ۱۳۹۷، ص ۶۳.

البته پس از ساخت حجرات مزار، حاج شیخ محمدحسن صالحعلیشاه (۱۲۷۰-۱۳۴۵ش.) فرزند و جانشین طریقتی نورعلیشاه که بعد از پدر سهم عمده‌ای در توسعه و تکمیل مجموعه داشت،<sup>۱</sup> در سال ۱۳۰۲ش. برای بهره‌مندی عموم اهالی، در مجموعه خانقاه مزبور اقدام به تأسیس کتابخانه مفصلی موسوم به سلطانی کرد و پس از چندی به منظور استفاده بهینه از کاروانسرای مذکور، محل آن را به کتابخانه مزار سلطانی اختصاص داد. این کتابخانه جزء اولین کتابخانه‌های عمومی کشور است.<sup>۲</sup>

یکی از اقدامات مهم اقتصادی نورعلیشاه در این مجموعه که بنا به نظر معمرین منطقه در بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت اهالی بیدخت مؤثر بوده و آن را سزاوار بسی تقدیر دانسته‌اند،<sup>۳</sup> تأسیس شرکت سهامی تجارتخانه احسانیه در قسمتی از صحن اول خانقاه می‌باشد که در زمینه خرید و فروش کالاهایی مثل پشم، پنبه و منسوجات محلی فعالیت داشته‌است.<sup>۴</sup> نکته قابل تأمل در آن، این است که وی، در حدود هفده سال، پیش از تصویب اولین قانون تجارت در ایران،<sup>۵</sup> برای شرکت سهامی عام احسانی، نظام‌نامه حقوقی جامعی تنظیم کرده بود که در آن نکات بسیاری از قبیل روال انتقال سهام افراد به دیگران و نحوه اعلام سود و زیان شرکت از طریق جراید به سهامداران که برخی از آنان در شهرهای دیگر ساکن بودند، پیش‌بینی شده‌بود. چون مقصود اصلی حاج ملا علی گنابادی از تأسیس تجارتخانه، ارتقای درآمد طبقه ضعیف منطقه بود، دو نوع برگه سهام که یک قسم آن، قیمت پایین‌تری داشت، چاپ کرده تا بدین وسیله اشخاص کم

۱. پس از صالحعلیشاه نیز هر یک از جانشینانش تا به امروز در توسعه، تکمیل و تجهیز بخش‌هایی از این مجموعه اهتمام تام داشته‌اند، چنانکه یک قسم از کارهای مرمتی و امور ساختمانی مزار سلطانی تحت نظارت و سرپرستی مهندس حاج سید علیرضا جذبی ثابتعلیشاه، قطب فعلی سلسله مزبور انجام پذیرفته‌است (در این باره ر.ک: تابنده، علی، خورشید تابنده، تهران، حقیقت، چ ۳، ۱۳۸۳، صص ۲۴۵-۲۴۹).

۲. سلطانپور، علی‌محمد، «شرح حال صالحعلیشاه»، یادنامه صالح، هیأت تحریریه کتابخانه صالح، تهران، حقیقت، چ ۲، ۱۳۸۰، صص ۱۲۹، ۱۳۰؛ نورایی بیدخت، صص ۶۳، ۶۴ و ۱۱۴.

۳. ضیاء المتکلمین، ص ۱۲۵.

۴. همانجا؛ نورایی بیدخت، صص ۶۲، ۶۳.

۵. مواد اولین قانون تجارت ایران در خلال سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ش. به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده‌است (حسنی، حسن، حقوق تجارت، تهران، میزان، چ ۳، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

بضاعت نیز بتوانند در سود شرکت سهام شوند. در ظهر اوراق سهام هم، ارزش هر سهم و شرایط شرکت، چاپ شده بود.<sup>۱</sup>

نورعلیشاه به موازات فعالیت‌های پیش گفته، از اقدامات مذهبی و خدمات فرهنگی نیز در خانقاه مزارسلطانی بیدخت غفلت نورزید. وی به منظور تعظیم شعائر مذهبی و آشنایی دقیق اهالی بیدخت با سیره معصومین (ع) و تبیین اصول اعتقادی و معارف دینی، در صحن اصلی مجموعه، ساختمانی را تحت عنوان حسینیه مزار بنا می‌کند.<sup>۲</sup> از دیگر کارهای فرهنگی حاج ملا علی گنابادی در مزار سلطانی، ترویج و اشاعه صنایع و هنرهای دستی اصیل ایرانی است. او با دایر کردن کارگاه‌هایی در مجموعه مزبور، شرایطی را فراهم کرد تا استادان زبردست حجاری، معماری، نجاری و غیره که از اصفهان و سایر شهرها برای انجام فعالیت‌های ساختمانی خانقاه، در بیدخت ساکن شده بودند، بتوانند به موازات آثار نفیسی که از خود در ساخت این مجموعه به یادگار می‌گذارند، حرفه‌های مزبور را نیز به اهالی روستا آموزش دهند.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب مجموعه مذکور به واسطه برخورداری از شئون مختلف دینی، علمی، فرهنگی، هنری، گردشگری و تجاری، سبب تحوّل کالبدی روستای ساده و دورافتاده بیدخت در زمینه‌های متعددی شده است؛ چنانکه پژوهشگران با تأمل در وجوه مزبور، به این نکته مهم و اساسی اشاره کرده‌اند که مجموعه مزار سلطانی «کانون تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و کالبدی بیدخت و گناباد در صد سال اخیر» است.<sup>۴</sup> از این رو نورعلیشاه در بازه کوتاه ده ساله پایانی عمر خود، یعنی از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ قمری، سنگ بنای مجموعه‌ای با ساحت‌های مختلفی را گذاشت که در آن، بسان

۱. ضیاء المتکلمین، صص ۱۲۵، ۱۲۶.

۲. تابنده گنابادی، نابغه علم و عرفان، ص ۶۳۰.

۳. یکی از این هنرمندان ماهر، استاد کرمعلی حجّار هنرور اصفهانی است که برای حجّاری عمارت خانقاه، به همراه خانواده‌اش در بیدخت سکنی گزید. حاج ملا علی گنابادی، یکی از حجرات صحن اول را به کارگاه حجّاری وی اختصاص داد. هنرمند مذکور طی چندین سال ضمن انجام کارهای حجّاری مجموعه و منقش نمودن برخی قسمت‌ها که از نفایس آنجا محسوب می‌شود، به آموزش این هنر نیز می‌پرداخت (همان، صص ۴۴۶، ۴۴۷؛ ضیاء المتکلمین، صص ۱۲۶، ۱۲۷).

۴. قیومی، ص ۷۷.

دیگر خانقاه‌های صوفیه، در عین توجه و التفات به آداب و مناسک صوفیانه و برگزاری مجالس عرفانی از انجام وظایف اجتماعی و فرهنگی در قبال جامعه غفلت نشده‌است.

### ۲-۳. فعالیت‌های عمرانی

بیدخت و روستاهای هم‌جوارش، چون از لحاظ اقلیمی در منطقه‌ای خشک و کویری واقع شده‌اند، از قدیم کمبود آب یکی از مشکلات اصلی اهالی آن مناطق و از موانع مهم رونق باغداری و زراعت در آن نواحی محسوب می‌شده‌است. از همین رو فعالیت‌های عام‌المنفعه حاج ملا علی گنابادی، صرفاً محدود به مزار سلطانی بیدخت و موارد پیش گفته نبوده، بلکه در بیرون عمارت خانقاه، یعنی در سطح روستای بیدخت و حتی دهات هم‌جوار نیز همانند پدر، یک رشته از فعالیت‌هایش در رفع معضل مزبور و کارهای عمرانی، صرف شده؛ لذا از او یادگارهای نیکی در آن خطه بر جای مانده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

وی با کوشش و جدیت بسیار، قنات کوثر را که آبش «شیرین و گواراست»، در بیدخت احداث کرد. این امر سبب شد که بسیاری از اراضی موات آن منطقه، احیاء و قابل کشت شود و مورد استفاده عموم قرار گیرد. از اقدامات دیگر نورعلیشاه در آن ناحیه، ایجاد باغات و مزارعی نظیر مزرعه کوثر است که افزون بر آبادانی منطقه، در امر اشتغال اهالی تأثیر بسزایی داشته‌است.<sup>۱</sup>

هم‌چنین حاج ملا علی گنابادی برای تأمین آب شرب اهالی منطقه، به‌ویژه در ماه‌های گرم سال که دچار مضیقه کم‌آبی بوده‌اند، مبادرت به ساخت آب انباری مشهور به «آب انبار دو درب» کرده<sup>۲</sup> که دومین آب انبار عمومی بیدخت می‌باشد.<sup>۳</sup> بنای مزبور

۱. تابنده گنابادی، سلطانحسین، تاریخ و جغرافی گناباد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، صص ۱۱۴، ۱۱۳؛ ضیاء المتکلمین، ص ۱۲۷.

۲. بنای آب انبار مزبور که به «انبار روباز» نیز شهرت داشت، توسط صالحعلیشاه تکمیل شد (نورایی، ص ۳۲۶).

۳. تابنده گنابادی، تاریخ و جغرافی گناباد، ص ۱۰۷.

از لحاظ ساخت هم، واجد ارزش هنری و معماری بوده و به عنوان یک اثر فرهنگی - تاریخی در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.<sup>۱</sup>

طراحی و ساخت جاده شوسه بیدخت از سایر کارهای عمرانی حاج ملا علی گنابادی است که در مسیر توسعه و تحوّل بیدخت مؤثر بوده است. وی با هزینه شخصی علاوه بر تسطیح ناهمواری های راه، در چند موضع، مبادرت به پل بندی های لازم برای ساخت جاده کرد. نکته حائز اهمیت در این زمینه، آن است که نورعلیشاه مدّت ها پیش از آنکه بیدخت محلّ تردد اتومبیل شود، زیرساخت ها و تمهیدات لازم برای ورود وسایل نقلیه به بیدخت را فراهم کرده بود.<sup>۲</sup>

هم چنین او، افراد ماهر در حرف و صنایعی چون مسگری، آهنگری، کوزه گری و حتی کفّاشی را به سکونت و کار در بیدخت تشویق کرد تا با آموزش پیشه های مزبور به افراد محلی، ضمن ترویج هنرها و صنایع دستی در منطقه، موجبات کار آفرینی و توسعه اشتغال در آن روستا فراهم گردد.<sup>۳</sup> اهل پژوهش نظر به فعالیت های نورعلیشاه در زمینه رواج و گسترش مشاغل و صنایع جدید، اظهار داشته اند که اقدامات وی سبب شد به بیدخت «جنبه صنعتی نیز داده» شود.<sup>۴</sup>

### ۳-۳. فعالیت های علمی - فرهنگی

حاج ملا علی گنابادی با ملاحظه تشنّت های فکری، فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار که بنا به دلایل مختلفی، دامنگیر جامعه ایران شده بود، در مقام یک عارف فقیه، به غور و تأمل در خصوص مسائل جامعه پیرامون خود پرداخته، از این رو به موازات اقدامات اجتماعی و خدمات عمرانی از فعالیت های علمی - فرهنگی نیز غفلت نکرده است. وی در مواجهه با معضلات مذکور در آن دوره و با توجه به سوء تفاهم ها درباره مسائل دینی و معنوی، روشنگری بر پایه اقامه برهان و دلیل را از هر وسیله دیگری در

۱. اثر مذکور، تحت شماره ۱۲۱۹۷ در ۱۳۸۴/۵/۱۹ ثبت شده است (نورایی، ص ۳۲۶).

۲. ضیاء المتکلمین، ص ۱۲۵.

۳. تابنده گنابادی، تاریخ و جغرافی گناباد، ص ۱۰۲.

۴. لباف خانیکی، ص ۸۴.

حلّ و فصل مشکلات و ابهامات مزبور مؤثرتر دانسته و چون بر این اعتقاد بوده که زمانه «زمان زبان و اوان بیان و قلم است»<sup>۱</sup>، یک قسم از اشتغالات فرهنگی خود را مصروف امر تحقیق، تدریس و تصنیف آثار متنوع علمی کرده است. نورعلیشاه همانند پدر بنابر یک برنامه منظم روزانه، هر روز عصر در مدرسه علمیه بیدخت به تدریس علوم ادبی، فقهی، حکمی و عرفانی و سایر دانش‌های مرسوم آن زمان از قبیل علم طبّ می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

هم‌چنین او در مدت عمر کوتاه پنجاه و یک ساله‌اش، پیرامون مسائل مختلفی هم‌چون موضوعات حکمی، عرفانی، فقهی، روایی، کلامی، تاریخی، اجتماعی، نجوم، جغرافیا و حتی علوم جدیده مبادرت به تحریر رساله کرده که برخی از آنها مانند دائره المعارف اسلامی قلزم<sup>۳</sup> حاوی چندین مجلد است. وی از حیث تعدّد و تنوع تألیفات که بیش از چهل عنوانش احصاء شده، در میان جانشینان شاه نعمت‌الله ولی صاحب بیشترین تصنیفات می‌باشد.<sup>۴</sup> غالب آثار حاج ملا علی گنابادی مانند نظم (الفیه‌ای به بحر رجز عربی در علم معانی، بیان و بدیع)، مناهج الوصول إلى معالم الأصول فی شرح معالم الأصول فی علم الأصول، سلطان فلک سعادت و دانشنامه نجد الهدایه إلى إختلاف أولى الدرایه به صورت نسخه خطی باقی مانده و تنها هفت رساله از او انتشار یافته است،<sup>۵</sup> اما همین تعداد اندک هم، مقام علمی و دقت نظر مؤلف را در مباحث گوناگون دینی، فرهنگی و اجتماعی روشن می‌سازد.<sup>۶</sup> در این قسمت به توضیح و معرفی سه اثر مهم وی که به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، می‌پردازیم.

۳-۳-۱. سلطان فلک سعادت: حاج ملا علی گنابادی با مشاهده رواج اعتقادات

۱. نورعلیشاه گنابادی، ملاعلی، نسخه خطی سلطان فلک سعادت، دیباچه.
۲. سعادت، ص ۴۷؛ ضیاء المتکلمین، ص ۱۲۸.
۳. قلزم در چهل مجلد توسط انتشارات سلسله‌الرضاع، منتشر شده است.
۴. اسفندیار، محمودرضا، تاریخ تصوف و عرفان اسلامی: از آغاز عصر صفوی تا اواخر دوره قاجاریه، زیر نظر شهرام پازوکی، تهران، سمت، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰.
۵. آثار انتشار یافته نورعلیشاه گنابادی عبارتند از: قلزم، ذوالفقار در حرمت کشیدن تریاک، رجوم الشیاطین، زادالمنازل، خوبی‌نامه، صالحیه و رساله فقهیه عملیه محمدیه.
۶. درباره شرح آثار او، ر.ک: یادنامه نور: شرح احوال و آراء حاج ملاعلی نورعلیشاه گنابادی، صص ۲۸۵-۲۴۵.

خرافی، جهل و بدفهمی نسبت به عقاید اسلامی و شبهاتی که در آن دوره، درباره معارف اسلامی و ایمانی مطرح شده بود، پاسخگویی منطقی و بدون تعصب به ابهامات مزبور را امری ضروری دانسته<sup>۱</sup>، لذا به تصنیف سلطان فلک سعادت در دو مجلد اقدام می‌کند. رساله مزبور در معرّفی و تشریح اهمّ موضوعات کلامی، حکمی و مسائل مطرح در عرفان و تصوّف تحریر یافته و مصنّف با ذکر آیات، روایات خاصّه و عامه و دلایل عقلی به توضیح مطالب پرداخته است. در مواردی هم به منظور تبیین مسأله به مباحثی از متون مقدّس ادیان دیگر و آیین‌های کهن از قبیل زبور داود، تورات، وحی کودک یا نبوت‌هیدل از دستینه‌های مخفی یهود، اناجیل اربعه، جاماسب‌نامه، کتاب زند زرتشتیان و یا حتی باتنگل از منابع معتبر هندوان اشاره می‌کند. از نکات شایان ذکر در سلطان فلک سعادت این است که نورعلیشاه به دلیل آشنایی با زبان عبری، در این رساله برخی مباحث عهد قدیم را به عبری نقل کرده، سپس ترجمه آن را به فارسی نگاشته است<sup>۲</sup> که این روش بر اتقان مطالب مندرج در اثر می‌افزاید. البتّه تأمل در همه این موارد، خود می‌تواند نشانگر عمق تعمق و توجّه وی به معتقدات ادیان دیگر و پرهیز از هرگونه تنگ‌نظری باشد.

۳-۲-۳. نجدالهدایه إلی إختلاف أولى الدرّایه: حاج ملا علی گنابادی در ایام جوانی، یعنی در سنّ ۳۵ سالگی، تصمیم به نگارش دانشنامه‌ای موسوم به نجدالهدایه إلی إختلاف أولى الدرّایه در ۱۲ مجلد می‌گیرد.<sup>۳</sup> اما وی به دلایلی از قبیل فعالیت در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی موجود و عناد مخالفین تصوّف، تنها مجال نوشتن دو مجلد آن را می‌یابد.<sup>۴</sup> با این حال تأمل در مباحث متنوع همین دو کتابچه مفصل نجدالهدایه، تبخّر و احاطه او در علوم و فنون مختلف،

۱. نورعلیشاه در دیباچه سلطان فلک سعادت به این مسأله اشاره کرده است.

۲. برای مثال وی در شعبه پنجم از شریعت چهارم که در ذکر دلایل نبوت حضرت محمد(ص) از تورات و دیگر مآخذ است، مطالبی از وحی‌های کودک را به زبان عبری نقل کرده است.

۳. بر اساس مقدمه نجدالهدایه، تاریخ شروع نگارشش، ۱۳۱۹ق. است (نورعلیشاه گنابادی، ملاعلی، نسخه خطی نجدالهدایه إلی إختلاف أولى الدرّایه).

۴. همو، ذوالفقار: در حرمت کشیدن تریاک، تهران، حقیقت، چ ۴، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

آشنایی‌اش با فرهنگ و تمدن جدید و مظاهر آن و اطلاعش از کشفیات نوین آن دوره مغرب زمین را نشان می‌دهد. در نجدالهدایه، هم برخی مباحث شاخص در علوم اسلامی شرح شده و هم درباره موضوعات گوناگونی نظیر عادات، آداب و رسوم اجتماعی بعضی ملل<sup>۱</sup>، دانش‌های کهن بشری، علوم تاریخ و جغرافیا، علم پزشکی مرسوم آن زمان، فیزیک جدید، کیهان‌شناسی نوین<sup>۲</sup> و حتی درباره فنون مدرن آن روزگار مثل دوربین عکاسی و ظهور فیلم<sup>۳</sup> توضیحاتی داده شده است. افزون بر مطالب مزبور، مصنف در این اثر همانند برخی آثار دیگرش، به تناسب موضوع، برخی آراء و نظریات ادیان دیگر و آئین‌های اساطیری را بیان کرده است؛ چنانکه در مبحث حدوث عالم، برای تبیین کامل موضوع، به عقاید یهود، نصارا، مجوس و بعضی هنود نیز اشاره می‌کند<sup>۴</sup> و یا در باب قیامت صغری و کبری به بررسی و تحلیل عقیده حکمای هندوان هم در این زمینه پرداخته است.<sup>۵</sup> دانشنامه مزبور مانند سلطان فلک سعادت از دیگر تصنیفات مهم انتشارنیافته مؤلف آن است.<sup>۶</sup>

۳-۳-۳- ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک: نورعلیشاه گنابادی همانند پدر<sup>۷</sup> قائل به حرام بودن استعمال افیون و به‌طور کلی مواد مخدر بوده<sup>۸</sup> و در رساله عملیه محمدیه، این

۱. همو، نجد الهدایه، کتابچه اولی، مسأله دهم از بیان سوم.

۲. همان، کتابچه اولی، بیان دوم.

۳. همان، کتابچه دوم، مقصد یازدهم.

۴. همان، کتابچه اولی، مسأله اولی.

۵. همان، کتابچه اولی، مسأله دوم.

۶. نسخه‌های خطی مجلدات هر دو اثر به خط مؤلف، موجود است.

۷. سلطانعلیشاه گنابادی از علمای پیشگام در تحریم کشیدن افیون و مشقاتش بوده است. وی در تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، صریحاً رأی اجتهادی خود را در این زمینه، ذیل عنوان «بیان حرمة شرب دخان الافیون» به مناسبت تفسیر آیه یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا (بقره، ۲۱۹) اظهار کرده است (السلطانعلیشاه الجنابذی، سلطانمحمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۸ق. / ۱۹۸۸م.، ج ۱، ص ۱۹۶).

۸. درخصوص تحلیل نظریه فقهی، اجتماعی و عرفانی سلطانعلیشاه و نورعلیشاه گنابادی درباره حرام بودن استعمال مواد مخدر، ر.ک: طاوسی، محمدعلی و اسفندیار، محمودرضا و پازوکی، شهرام، «نسبت تصوّف با فرهنگ و تمدن جدید در ایران: بررسی آراء حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی»، پژوهش‌های تاریخی، اصفهان، س ۵۷، ش ۵۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۱-۷۰.

عمل را از اشدّ محرمات دانسته است.<sup>۱</sup> وی نظر به نتایج زیانبار فردی و اجتماعی مصرف تریاک و تأثیرات مخربش بر حالات معنوی سَلَاک الی الله، اثر مستقّلی را در این باره تحت عنوان ذوالفقار نگاشته است. از آنجا که کمتر کسی در ۱۳۰ سال پیش، توجّه به مضرات مختلف روحی، جسمی و اجتماعی تریاک داشته، لذا اقدام او در تألیف اثر مزبور در آن زمان،<sup>۲</sup> از منظر مسؤولیت اجتماعی، امری قابل تحسین و پیشرو محسوب می شود. مصنّف ذوالفقار بر پایه مستندات نقلی و عقلی، نظریّه فقهی خود را در باب حرام بودن کشیدن افیون ابراز داشته و به تفصیل درباره مفسد فردی، اجتماعی و فرهنگی مترتب بر تریاک بحث کرده است. نورعلیشاه با توجّه به تمام آثار سوئی که مصرف تریاک در بردارد، همگان، به ویژه پیروانش را به طور مطلق از مصرف هرگونه ماده مخدّر، منع و تحذیر کرده و از جمله در یکی از فرازهای رساله ذوالفقار در این باره چنین نوشته است: «تریاک کشیدن، حرام و حرام تر از هر حرام است».<sup>۳</sup>

#### ۴. نتیجه

با تأمل در مباحث مطروحه در این پژوهش می توان مشاهده کرد که حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی از زمره عارفان و صوفیانی است که در زندگی فردی و اجتماعی خود، جمع میان فقر محمّدی (ص) و فقر عیسوی (ع) کرده است. او تحت تعالیم پدر و بر اساس آموزه های معنوی تصوّف، توانست به موازات سلوک صوفیانه به انجام وظایفی که در قبال افراد جامعه از منظر مسؤولیت اجتماعی عهده دار بود، بپردازد. به طوری که تقیدش در انجام تکالیف شریعتی و اهتمامش در رعایت آداب طریقتی، اصلاح و تهذیب باطن و هدایت و ارشاد سالکان، سبب نشد که از حضور مؤثّر در جامعه، اقدامات عمرانی، خدمات عامّ المنفعه و سایر فعالیت های فرهنگی، اجتماعی غفلت ورزد. هم چنین وی به دلیل مشرب عرفانی اش توانست با وسعت نظر و پرهیز از تعصّبات

۱. نورعلیشاه گنابادی، ملا علی، رساله فقهیه عملیه محمّديه، بی نا، چاپ سنگی، ۱۳۳۶ق.، ص ۱۴۳.

۲. زمان نگارش ذوالفقار به سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ق. مربوط می شود.

۳. نورعلیشاه، ذوالفقار، ص ۱۰۱.

ناروای دینی و مذهبی، به عقاید سایر ادیان و نحله‌های مذهبی بنگرد و حتی به مسائل مطروحه در فرهنگ و تمدن جدید توجه کند. تعمق در آثار علمی، فرهنگی و اجتماعی نورعلیشاه، التفاتش را به مقولات مزبور واضح می‌سازد. البته همه این موارد، دلیل دیگری بر درستی نظر محققینی است که با غور و واکاوی در سیره عرفا و متصوفه، اظهار داشته‌اند که نه تنها آموزه‌های صوفیانه، سبب ایستایی و رکود فکری و مدنی معتقدانش نشده، بلکه متصوفه سهم و نقش تأثیرگذاری در رشد اجتماعی و تعالی فرهنگی جامعه پیرامونی خود و حتی جوامع دیگر داشته‌اند.

۱۹۸

پژوهشنامه ادیان

سال شانزدهم، شماره سی و دو، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

## فهرست منابع

- قرآن مجید
- اسفندیار، محمود رضا، تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی: از آغاز عصر صفوی تا اواخر دوره قاجاریه، زیر نظر شهرام یازوکی، تهران، سمت، ۱۳۹۸.
- باستانی پاریزی، محمّد ابراهیم، بارگاه خانقاه در کویر هفت کاسه، تهران، علم، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، «تاریخ و داستان‌هایی از آن»، نای هفت بند، تهران، عطایی، ۱۳۶۳.
- یازوکی، شهرام، «تصوّف در ایران بعد از قرن ششم»، تاریخ و جغرافیای تصوّف، تهران، کتاب مرجع، ۱۳۸۸.
- تابنده، علی، خورشید تابنده، تهران، حقیقت، ۱۳۸۳.
- تابنده، نورعلی، «اسوه حسنه»، یادنامه صالح، هیأت تحریریه کتابخانه صالح، تهران، حقیقت، ۱۳۸۰.
- تابنده گنابادی، سلطانه‌حسین، تاریخ و جغرافی گناباد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- \_\_\_\_\_، نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم: شرح حال حاج ملا سلطان‌محمد سلطانعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۴.
- الحرّ العاملی، محمّد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- زرّین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_، دنباله جستجو در تصوّف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- سعادت‌تی (فخرالطباء)، حسینعلی، «نامه ظهور نور»، یادنامه نور: شرح احوال و آراء حاج ملا علی نورعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ۱۳۹۶.
- سلطانپور، علی‌محمد، «شرح حال صالحعلیشاه»، یادنامه صالح، هیأت تحریریه کتابخانه صالح، تهران، حقیقت، ۱۳۸۰.

- السلطانعلیشاه الجنازبندی، سلطانمحمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق. / ۱۹۸۸م.
- سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم، دیوان اشعار، مقدمه و حواشی محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، سنایی، چ ۵، ۱۳۸۰.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم»، بخارا، س ۶، ش ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۳، صص ۶۱-۳۶.
- شیروانی، میرزا زین العابدین، بستان السیاحه، تصحیح و پیش‌گفتار منیژه محمودی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_، حدائق السیاحه، مقدمه سلطانحسین تابنده و تصحیح سید هبه‌الله جذبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- ضیاء المتکلمین تونی، اسماعیل، «زندگی‌نامه نورعلیشاه»، یادنامه نور: شرح احوال و آراء حاج ملاعلی نورعلیشاه گنابادی، تهران، حقیقت، ۱۳۹۶.
- طاوسی، محمدعلی و اسفندیار، محمودرضا و پازوکی، شهرام، «نسبت تصوّف با فرهنگ و تمدن جدید در ایران: بررسی آراء حاج ملاعلی نورعلیشاه گنابادی»، پژوهش‌های تاریخی، اصفهان، س ۵۷، ش ۵۲، زمستان ۱۴۰۰.
- الطهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشیعه: و هو نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، تعلیقات السید عبدالعزیز الطباطبایی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، ۱۴۰۴ق.
- عدلی، محمدرضا، «علل گسترش جماعت‌های اولیه صوفیان و شکل‌گیری خانقاه‌ها»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، س ۹، ش ۳۰، بهار ۱۳۹۲.
- فرزام، حمید، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۷۹.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، تقریرات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر: درباره تاریخ ادبیات ایران، مقدمه و حواشی سید محمد دبیرسیاقی، تهران، خجسته، ۱۳۸۶.
- قیومی، مهرداد، «مروری بر برخی از آثار معماری طریقه نعمت‌اللهیه در ایران: مزار شاه نعمت‌الله ولی، مزار مشتاقیه کرمان، مزار سلطانی گناباد»، عرفان ایران، مجموعه مقالات ۲۰، تهران، حقیقت، ۱۳۸۳.

- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح و مقدمه جلال الدین همایی، تهران، هما، ۱۳۸۱.
- کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، کویر، ۱۳۷۳.
- کرمانی، عبدالزاق، تذکره در مناقب شاه نعمت الله ولی، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی، تصحیح و مقدمه ژان اوین، تهران، طهوری، ۱۳۶۱.
- کسروی، احمد، حافظ چه می گوید، چاپک، بی تا.
- \_\_\_\_\_، صوفیگری، مطبوعاتی فرخی، ۱۳۴۲.
- کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری، ۱۳۶۹.
- گراملیش، ریشارد، طریقه های شیعی ایران: ذهبیه، نعمت اللهیه و خاکساریه، سلسله ها، عقیده ها و مذهب، سنن و آئین ها، ترجمه شیرین شادفر، تهران، نامک، ۱۳۹۹.
- لباف خانیکی، رجبعلی، گناباد: خاستگاه حماسه های پنهان، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
- نورایی بیدخت، حسن، بیدخت در گذر زمان: مجموعه زیر آسمان بیدخت، تهران، چاپ جامی، ۱۳۹۷.
- نورعلیشاه گنابادی، ملا علی، دو رساله در زندگی و شهادت جناب سلطانعلیشاه: رجوم الشیاطین، تصحیح و مقدمه شهرام یازوکی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، ذوالفقار: در حرمت کشیدن تریاک، تهران، حقیقت، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، سلطان فلک سعادت، نسخه خطی متعلق به کتابخانه خانقاه مزارسلطانی بیدخت.
- \_\_\_\_\_، صالحیه، تهران دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- \_\_\_\_\_، رساله فقهیه عملیه محمدیه، بی تا، چاپ سنگی، ۱۳۳۶ق.
- \_\_\_\_\_، نجاد الهدایه الی اختلاف اولی الدرایه، نسخه خطی متعلق به کتابخانه دکتر نورعلی تابنده.
- Agudelo, M. & Johannsdottir, L. & Davidsdottir, B. "A Literature Review of the History and Evolution of Corporate Social Responsibility". *International Journal of Corporate Social Responsibility*. 2019.